

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

راشاتودی
برگردان: سیما صابر
۲۵ جون ۲۰۲۲

ولفگانگ بیتنر: تضاد شرق و غرب – یک صحنه سازی است.



www.globallookpress.com imago stock&people

در کنفرانس بین المللی مؤسسه شیلر در ۱۸ و ۱۹ جون ۲۰۲۲ دکتر ولفگانگ بیتنر به توضیح پیشینه درگیری شرق و غرب بین امریکا و روسیه، جنگ در اوکراین و نقش المان در آن پرداخت. به گفته بیتنر پس از پایان جنگ جهانی دوم، المان به عنوان یک پل ارتباطی اروپایی برای ایالات متحده امریکا علیه اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شد. برای درک این که المان هنوز چه نقشی در این امر بازی می کند، باید موارد زیر را بدانیم:

پس از اتحاد مجدد، به المان حاکمیت کامل اعطا شد، اما این امر مجدداً با توافقات اضافی، به عنوان مثال در مورد استقرار نیروها و همکاری نظامی با ایالات متحده، تغییر پیدا کرد و عملاً استقلال المان باز هم نسبی شد. بر این اساس، واشنگتن فرصت های قابل توجهی برای اعمال نفوذ بر المان و همچنین اعمال فشار بر این کشور دارد. علاوه بر این، باید توجه داشت که المان هنوز یک کشور اشغال شده است. به سختی مشخص است و کمتر کسی می داند که علاوه بر پایگاه های نظامی کوچکتر، یازده پایگاه اصلی ایالات متحده در المان وجود دارد. سلاح های هسته ئی در بوشل در راینلند-فالتز مستقر هستند و پایگاه نیروی هوایی رامشتاین بزرگترین پایگاه نیروی هوایی ایالات متحده در خارج از ایالات متحده است.

از همین پایگاه، ایالات متحده همچنین استفاده جهانی از پهپادهای جنگی را کنترل می کند. علاوه بر این، از سال ۱۹۹۰ ایالات متحده المان را با بیش از ۱۵۰ اتاق فکر، که تقریباً همه سیاستمداران و روزنامه نگاران برجسته المانی در آنها حضور دارند، تحت تأثیر قرار داده است.

به گفته بیتنر، شناخته شده ترین آنها احتمالاً انجمن لابی گر پل آتلانتیک است. علاوه بر این، باید بدانید که ایالات متحده بیش از یک قرن است که به طور سیستماتیک از همکاری المان و روسیه جلوگیری می کند. این ادعا با سخنرانی جورج فریدمن، کارشناس امنیتی ایالات متحده تأیید می شود:

«نگرانی اصلی سیاست خارجی ایالات متحده در طول قرن گذشته، در طول جنگ های جهانی اول، دوم و جنگ سرد، روابط المان و روسیه بوده است، زیرا آنها با هم تنها قدرتی هستند که می توانند برتری ما را تهدید کنند. هدف اصلی ما این بود که مطمئن شویم این اتفاق نخواهد افتاد.»

فریدمن این موضوع را چنین توضیح می دهد:

«نگرانی اصلی ایالات متحده این است که سرمایه و فناوری المان با منابع مواد خام روسیه و نیروی کار روسیه در ترکیبی منحصر به فرد ترکیب شود. برای جلوگیری از این امر، ایالات متحده یک کریدور پر از سلاح بین اروپای غربی و روسیه ایجاد کرد و روسیه را منزوی کرد.»

همانطور که بیتنر توضیح می دهد، بسیاری از آنچه امروز اتفاق می افتد را می توان با این پس زمینه توضیح داد. همچنین واضح است که امریکا با غرور خود مدعی برتری جهانی است.

اکنون تعداد زیادی از مردم متعجبند که اصلاً چرا المان باید به اوکراین بدهکار باشد. دولت اوکراین با چه توجیهی از المان پول و سلاح می خواهد.

طبعاً اگر دولت فدرال المان واقعاً مجری دستورالعمل های واشنگتن باشد، این توجیهی برای سیاست فعلی المان در اوکراین خواهد بود ولی بیتنر معتقد است که این بخشی از مشکل است و کمکی به حل آن نمی کند.

در ادامه گفته هایش، بیتنر وقایع اوکراین را از زمان «تغییر رژیم در سال ۲۰۱۴ که ایالات متحده سال ها در تدارک آن بود» بازسازی می کند:

او به الحاق کریمه به روسیه پس از رفراندوم، تلاش ساکنان دونباس برای خودمختاری در داخل اوکراین، جنگ داخلی در شرق اوکراین که در پی کودتای امریکائی رخ داد که منجر به کشته شدن حدود ۱۴۰۰۰ نفر شد و بی توجهی کیف به توافقنامه مینسک اشاره کرد.

«توسعه بعدی این سیاست های امریکا در اوکراین تا به امروز به خوبی شناخته شده است:

جنگ نیابتی بین ایالات متحده امریکا و روسیه، که در آن اوکراین در حال تجزیه است. توجیه این اقدام فاجعه بار با دفاع از اروپا با دستکاری سیستماتیک افکار مطابقت دارد. قبل از جنگ، اوکراین در آستانه فروپاشی قرار داشت و تنها به قطره هائی از صندوق بین المللی پول و اتحادیه اروپا دریافت می کرد و ایسته بود.»

در نتیجه جنگ اوکراین، اکنون می توان فرض کرد که تورم به شتاب گرفتن خود ادامه خواهد داد و فقراء حتی فقیرتر خواهند شد. فقط صنعت تسلیحات سود می برد.

با این حال، از آنجائی که دو قدرت هسته ئی، روسیه و ایالات متحده امریکا، درگیر این درگیری هستند، وضعیت خطرناک تر از هر زمان دیگری است. بیتنر سخنان خود را با این درخواست به پایان می رساند که تنها روشن شدن و افشاگری ریشه های واقعی وضعیت فعلی می تواند منجر به تغییری فوری در سیاست شود.